

نقش تاریخی دهقانان در حفظ مآثر فرهنگی و تمدنی ایرانیان

احمدعلی زراعی

دبیر دبیرستان‌های شهرستان کوههدشت

مقدمه

در کتب قدیم فارسی خاصه کتب قرن‌های چهارم و پنجم و هم‌چنین در بسیاری از تواریخ که ایرانیان به زبان عربی نگاشته‌اند، به‌طور مکرر به نام طبقه دهقانان برمی‌خوریم. این طبقه چنان‌که از مآخذ مختلف برمی‌آید، در نقل و تدوین روایات ملی دخالت بسیار داشته‌اند.

دهقانان در دوره ساسانی از طبقات نجبای درجه دوم بودند و قدرت و اعتباری خاص در قبال تشکیلات دولتی ایران داشتند و همواره در تحکیم بنیان قدرت دولت‌های ایرانی سودمند بودند. و نیز از آن جهت که به عقیده اغلب محققان، وسیله ارتباط سلسله نجبای ایرانی و اهل بیوتات با عامه مردم بودند و صفات عالی اشراف، یعنی شجاعت، جوانمردی و میهن‌دوستی را از طبقه خود به طبقات فرو دین اجتماع منتقل می‌کردند، دارای اهمیت و اعتبار تاریخی بسیاریند. محققاً یکی از علل عمده این‌که ایرانیان با پیشرفت اعراب و غلبه اسلام به سرعت خصایص ملی و نژادی خود را از دست ندادند و تقریباً در همه‌جا با بیشتر عادات و آداب قدیمه ملی باقی ماندند، به خاطر تلاش‌ها و اقدامات همین دهقانان در حفظ آداب و سنن و مآثر فرهنگی ایران بوده است. نوشتار حاضر بر آن است که به بررسی نقش دهقانان در حفظ مآثر فرهنگی

اشاره

دهقانان به‌عنوان طبقه‌ای از اشراف و نجبای اواخر دولت ساسانیان، هسته و پایه ملت ایران را در این دوران تشکیل دادند. آن‌ها در قرون نخستین اسلامی نیز از این جهت دارای اهمیت بودند که پس از سقوط دولت ساسانی توانستند ادامه حیات دهند، میراث کهن ایران زمین را از دستبرد حوادث و آشفته‌گی‌های زمانه در امان نگه دارند و آن را به نسل‌های بعدی منتقل کنند. دهقانان نه تنها قوام و پشتیبان دولت ساسانی محسوب می‌شدند، بلکه خود استخوان‌بندی اجتماع و مرکز خصائص ملی و ادب و فرهنگ ایرانی به‌شمار می‌رفتند. بنابر اهمیتی که دهقانان در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در قبل و بعد از اسلام داشتند، هدف این پژوهش ابتدا پرداختن به معانی متعدد دهقان و وجه تسمیه آن، و سپس نقشی است که دهقانان در ارتباط با به‌عهده گرفتن امر خراج و تلاش آنان در حفظ و نگهداری مآثر فرهنگی و تمدنی در قرون نخستین اسلامی داشتند.

کلیدواژه‌ها: دهقانان، ساسانیان، خراج، مآثر فرهنگی، دوره اسلامی.



و تمدنی ایرانیان طی قرون نخستین اسلامی
پیردازد.

وجه تسمیه دهقان

در فرهنگ لغت‌نامه‌های ایران، کلمه دهقان (dehgan) در دو معنی به کار رفته است: یکی به معنی «برزگر» که منظور روستایی ساده‌ای است که به کار کشاورزی اشتغال دارد، و دیگری کشاورزی که دارای زمین و در واقع خداوند رعیت است و لقب «دهخدا» دارد. بنابراین او برزگر ساده نیست [خدایار محبی، ۱۳۸۵: ۱۱]. دهقان معرب و مأخوذ از «دهگان» فارسی، منسوب به ده و در قدیم به معنی «مَلاک» یا دارنده ده بوده است [دهخدا، ۱۳۵۱: ۴۶۱]. با این تفاوت که این واژه در کتیبه‌های فارسی باستان به صورت «دهیو» آمده که ده نه در معنی امروزی، بلکه به معنی سرزمین و کشور است و بعدها معنی روستا پیدا کرده است [آلتهایم و استیل، ۱۳۸۲: ۱۵۹؛ صفا، ۱۳۲۶: ۴۳-۳۹؛ محمدآبادی، ۱۳۵۶: ۶۴-۷۰]. دهقان صورت عربی‌شده کلمه پهلوی «دهگان» یا صورت قدیمی‌تر «دهیگان» به معنی «زمین‌دار» است که از طریق سریانی به عربی و از آن‌جا به فارسی راه یافته است [تفضلی، ۱۳۷۶: ۵۸۲؛ تفضلی، ۱۳۸۵: ۶۳]. لفظ دهقان در اواخر دوره ساسانی به طبقه‌ای زمین‌داران اطلاق می‌شد [نامعلوم، ۱۳۱۸: ۴۲۰؛ تفضلی، ۱۳۸۵: ۶۳] که در مرتبه فروتر از آزادان (āzādan)، بزرگان (bozorgan) و کدخدایان (kadag-xwadāyān) قرار داشتند [کریستین‌سن، ۱۳۷۲: ۱۶۹؛ تفضلی، ۱۳۶۷: ۱۴۸].

هم‌چنین بر پایه برخی منابع اسلامی متقدم، طبقه دهقان در دوره ساسانی از «شهر یگان» (sahrigan)، رییس نواحی کوچک نیز در مرتبه فروتر بود [یعقوبی، ۱۳۶۶: ۲۰۳؛ نولدکه، ۱۳۷۸: ۴۷۵].

فیروزآبادی، دهقان را به معنی زعیم و رییس کشاورزان پارسی، و هم‌چنین به معنی رییس اقلیم گرفته است [فیروزآبادی، بی‌تا: ۳۲۰].



دهقانان در دوره ساسانی از طبقات نجبای

درجه دوم بودند و قدرت و اعتباری خاص در

قبال تشکیلات دولتی ایران داشتند و همواره

در تحکیم بنیان قدرت دولت‌های ایرانی

سودمند بودند

تعریف‌هایی که در معنی دهقان به دست داده شده‌اند، در مجموع با محدود کردن حوزه فعالیت دهقان به اداره یک روستا سازگار نمی‌افتند؛ هر چند باید پذیرفت که برخی دهقانان بر بیش از یک روستا حکمرانی نداشته‌اند. برای واژه دهقان معانی و مفاهیم دیگری نیز وجود دارند. چون مالکان ایرانی دهگان نامیده می‌شدند، اعراب من باب اطلاق جزء به کل همه ایرانیان را دهقان نامیدند [ابن‌خلف تبریزی، ۱۳۷۶: ۹۰۵]. در ابیاتی از شاهنامه فردوسی، واژه دهقان نه به معنای صاحب ده و قریه که به

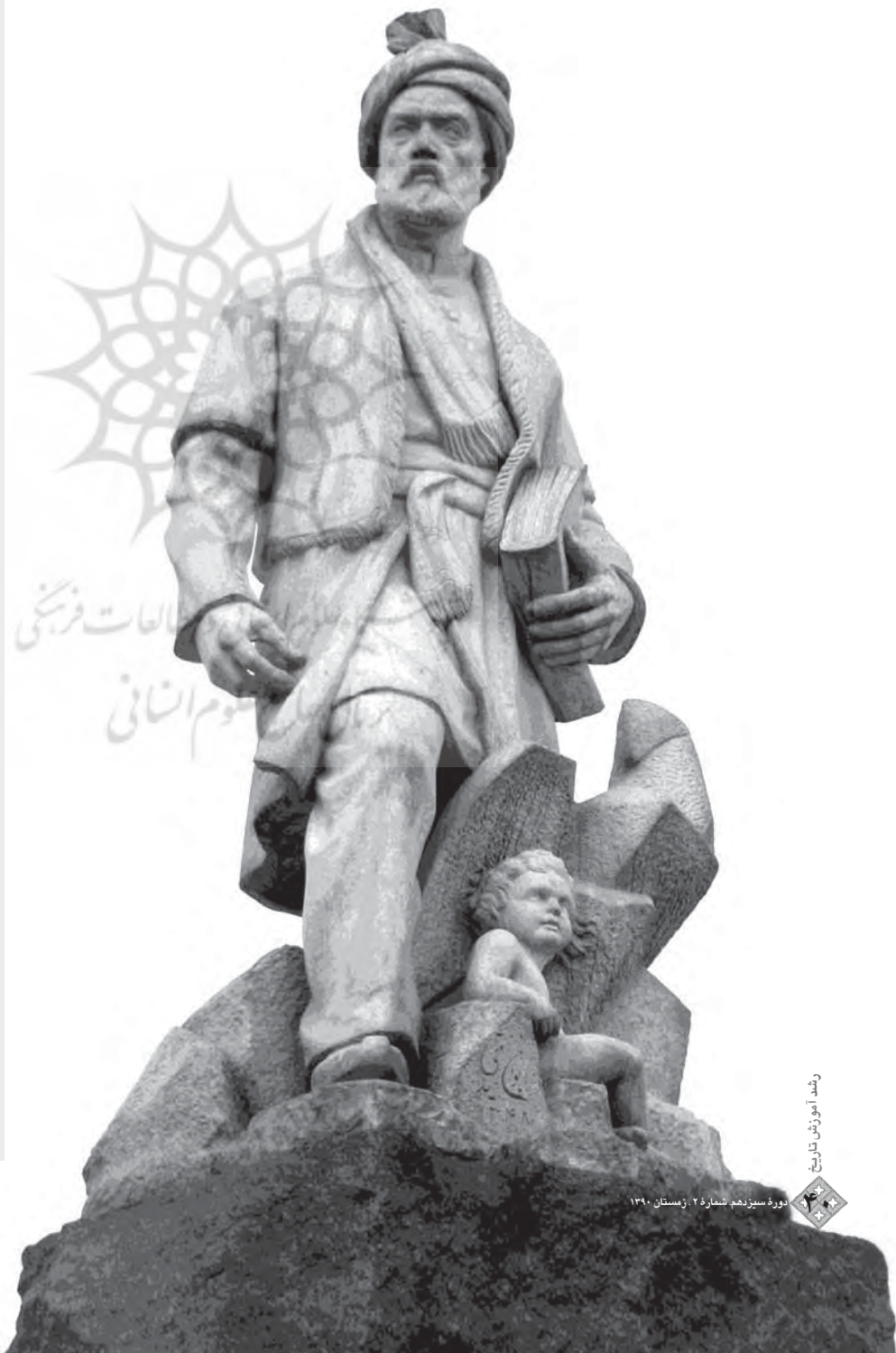
متون پهلوی و به تبع آن‌ها مورخان اسلامی، نخستین بار عنوان دهقان را به دوره‌های اساطیری و به دوره پیشدادی نسبت می‌دهند

فردوسی غالباً از دهقانان به عنوان منبع و ظاهراً منبع شفاهی خود یاد می‌کند

معنای ایرانی و ایرانی‌نژاد آمده است. شاید به همین دلیل اعراب در ابتدا کلیه ایرانیان را دهقان نامیدند [فردوسی، بی‌تا، ج ۱: ۲۱؛ بیت ۱۲۸؛ ج ۹، ۳۰۷، بیت ۷؛ ج ۹: ۳۱۹، بیت‌های ۱۰۵ و ۱۰۶]. از عنوان دهقان در منابع متقدم ساسانی بارها استفاده شده است. بنابراین می‌توان احتمال داد که دهقانان به عنوان یک طبقه اجتماعی به دنبال اصلاحات ارضی خسروانشیروان (۵۳۱ تا ۵۷۹) به وجود آمده باشند [زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۸۲؛ بلعمی، ۱۳۵۳: ۳۴۵؛ ابن‌بلخی، ۱۳۶۳: ۳۷].

دهقانان در دوره ساسانی

متون پهلوی و به تبع آن‌ها مورخان اسلامی، نخستین بار عنوان دهقان را به دوره‌های اساطیری و به دوره پیشدادی نسبت می‌دهند. براساس این منابع، هوشنگ پیشدادی، پادشاهی را بنیاد کرد و برادرش ویکرد (ویکرت و هیکرت) دهکانه را [بیرونی، ۱۳۵۲: ۱۲۰؛ مقدسی، ۱۳۴۹: ۱۲۰؛ ثعالبی، ۱۳۶۸: ۹؛ یارشاطر، ۱۳۸۰: ۵۳۰]. مسعودی نیز پس از گزارش درباره تقسیم شاهنشاهی ایران به چهار طبقه، طبقه چهارم را ساسانیان دانسته است و اشاره می‌کند که طبقه اول «شهر یگان» بودند، طبقه دوم «دهگانان» که از فرزندان و هیکرت، پسر فرزال، پسر سیامک، پسر نوسی، پسر کیومرث شاه بودند... و هیکرت نخستین کسی بود که دهگانی آورد [مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۷۸-۲۷۷]. از طرف دیگر، در «ارداویراف‌نامه» آمده است: «دیدم بسیار گاه زرین و بستر خوب و بالش‌های شایسته، بر روی آن‌ها کدخدایان و دهقانان نشسته بودند که ده، دودمان، میهن و ملک و جای ویران را آبادان کردند» [ژینیو، ۱۳۷۲: ۵۸]. براساس طبقه‌بندی اجتماعی و طبق مطالعات جدید، دهقانان جزو نجبای درجه دوم بودند، در هنگام حوادث مهم و بزرگ تاریخی صحبت خاصی از آن‌ها به میان نمی‌آید و یا حداقل از منابع اطلاعاتی به دست نمی‌آمد، اما دهقانان با به دست



گرفتن مسئولیت‌هایی که بنیان کشور و تار و پود دولت ساسانی به آن‌ها بستگی داشت اهمیت و ارزش فوق‌العاده یافتند [اجتهادی، ۱۳۶۳: ۵۰].

شاید طبقه دهقانان اهمیت و ارزش واقعی خود را در عصر ساسانیان و خصوصاً در دوره قباد و انوشیروان یافته باشند، در این دوره آن‌ها از طبقه ممتاز جامعه محسوب می‌شدند ولی امتیاز طبقاتی آن‌ها به حدی نبود که فاصله‌ای میان آن‌ها و مردم ایجاد کند و همان‌قدر که مسئول اجرای مقاصد و دستورات دولت در بین مردم بودند، وسیله‌ای برای انتقال درخواست‌های مردم به دولت ساسانی شدند [پیشین؛ کریستین سن، ۱۳۷۲: ۱۶۹؛ تفضلی، ۱۳۶۷: ۵۸۰]. دهقانان در گذشته به حکومت مرکزی و شخص شاه بسیار وفادار بودند و این وفاداری و سرسپردگی را تا قرن‌ها در تاریخ ایران حفظ کردند و نقش مهمی را از لحاظ اجتماعی و تاریخی در ایران ایفا نمودند.

دهقانان طبقه خاصی از بزرگ‌زادگان و اشراف ایرانی بودند با ویژگی‌های دودمانی و خصائص طبقاتی و جایگاه اجتماعی خاص. آن‌ها هم در ایران پیش از اسلام و هم در جامعه اسلامی همواره یکی از عوامل مهم عمرانی و هم‌چنین پایه‌ای از پایه‌های خدمات دیوانی به‌شمار رفته‌اند. از آن‌جا که از فرهنگ و تربیتی شایسته برخوردار بودند و به عقل و تدبیر شناخته می‌شدند، غالباً مورد مراجعه و مشاوره فرمانروایان و حکام وقت قرار می‌گرفتند [محمدی ملایری، ۱۳۷۹: ۳۵۸-۳۵۷؛ نولدکه، ۱۳۷۸: ۱۶۹-۱۶۸].

از آن‌جا که جامعه ساسانی به طبقات مختلف تقسیم می‌شد، دهقانان جزو طبقه اشراف، اما از حیث درجه در رتبه و مقامی پایین‌تر محسوب می‌شدند. دهقانان قشر خرده مالک بودند که به نظر می‌رسد تا پایان دوره سلطنت بزرگ خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰م) در دهکده‌ها می‌زیستند و غالباً در خانه‌ای اربابی یا یک دژ سکونت داشتند.

محدوده اراضی و املاک آن‌ها بسیار کمتر از اراضی اشراف ملاک بود و از این حیث، از اشراف و نجبای بزرگ ممتاز می‌شدند.

این دهقانان اداره مناطق روستایی را برعهده داشتند [آلتهایم و استیل، ۱۳۸۲: ۱۵۹؛ کریستین سن، ۱۳۷۲: ۱۶۹؛ ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۲۱۶؛ هوار، ۱۳۷۹: ۱۶۷]. البته دهقانان وابسته به آفریده خود بودند و از شاه فرمان می‌گرفتند. چه‌بسا که این محدوده اراضی را نیز از شاه در قبال خدمات خود دریافت می‌کردند. همان‌گونه که قاضیان و کارداران که از قشر جدید درباریان بودند و فرزندان شاه محسوب می‌شدند، می‌توانستند زمین دریافت کنند [آلتهایم، ۱۳۸۲: ۱۵۹].

به این ترتیب، هم درباریان نوساخته دولتی جزو اشراف زمین‌دار درآمدند و هم دهقانان که هر دو قشر وابسته به شخص شاه بودند. از این زمان، دهقانان مسئول گردآوری خراج و مالیات ارضی و وصول آن به خزانه شاهی بودند و در ازای خدمات خود که پرداختن دستمزد آن‌ها به جنس کافی نبود، روستاها را به‌عنوان تیول به آن‌ها واگذار می‌کردند. از این طریق بود که اشراف درجه دوم دهقانان با اراضی محدود پدید آمدند [فرای، ۱۳۸۰: ۵۲۰]. در واقع انوشیروان با ایجاد طبقه جدید دهقانان، مشابه شاه عباس اول، نیروی سومی پدید آورد [سیوری، ۱۳۷۹: ۷۶] که از طریق آن می‌توانست نیروی مقتدر اشراف را کنترل کند. واگذاری تیول به دهقانان آنان را در مقابل اشراف بلندپایه قرار می‌داد و بر این اساس شاه نه تنها گردآوری مالیات را برعهده آنان نهاد، بلکه در ازای تیول، هنگام شورش کشاورزان و احتمالاً اشراف، از آن‌ها کمک نظامی می‌خواست. بنابراین، دهقانان علاوه بر داشتن تیول و اداره روستاها، «اسواره نظام» نیز بودند.

بالاترین درجات اجتماعی در دوران ساسانی از آن «واسپوهران» بود. واسپوهران را در عربی «اهل البیوتات» نوشته‌اند و مراد از اهل بیوتات کسانی هستند که منتسب به

یکی از دودمان‌های هفت‌گانه قدیمی بودند و پس از این طبقه، طبقه بزرگان قرار داشتند و پس از ایشان، «آزادان» بودند که دهقانان از این طبقه‌اند [کریستین سن، ۱۳۷۲: ۱۶۸-۱۶۷؛ محمدی ملایری، ۱۳۷۴: ۳۵۸].

خانم لمبتون نیز بر این عقیده است که: «... دهقانان طبقه بسیار مهمی را تشکیل می‌دادند؛ هر چند غالباً آن مقدار زمینی را که به‌عنوان ملک موروثی خانوادگی زراعت می‌کردند، اندک بود. آنان در قبال روستاییان، نمایندگان حکومت مرکزی بودند و کار عمده‌شان جمع خراج بود [لمبتون، ۱۳۳۹: ۵۷-۵۶]. نولدکه نیز سخنی در این باب دارد که تا حدودی می‌تواند روشنگر وضع گروه دهقانان در عصر ساسانیان باشد: «هریک از بخش‌های کوچک که آن را شهر، و کرسی آن را شهرستان می‌گفتند، تحت حکومت یک نفر شهریگ بوده است و این شهریگ را از میان دهقانان اختیار می‌کردند [نولدکه، ۱۳۷۸: ۴۷۶].

این دهقانان در اواخر دوره ساسانی بیشتر زمین‌های حاصل‌خیز را در اختیار داشتند. آن‌ها از بسیاری جهات پایه ملت را تشکیل می‌دادند، و نیز همین دهقانان مدت‌ها پس از انقراض ساسانیان، روایت‌ها و حماسه‌های ملی را حفظ کردند [نولدکه، ۱۳۷۸: ۴۶۸؛ کریستین سن، ۱۳۷۲: ۱۷۰-۱۶۹؛ تفضلی، ۱۳۶۷: ۱۵۳].

اهمیت این طبقه هنگام تسلط اعراب بر ایران ظاهر شد. اینان معتمدان محلی و آشنایان به حکومت محلی و گردانندگان واقعی این حکومت‌ها بودند [پیشین]. این طبقه از نظر نفوذ اجتماعی و اثری که در حفظ جامعه ایرانی داشتند، یکی از طبقات مهم اجتماعی ایران به‌شمار می‌رفتند و با این‌که در رویدادهای بزرگ تاریخی کمتر نام آن‌ها برده می‌شود، ولی از آن‌جا که به زمین وابسته بودند و با کشاورزان و ده و روستا سروکار داشتند و در میان همان‌ها هم می‌زیستند، همواره پایه استوار مملکت و رکن اصلی نظام اداری و مالی دولت و

نگهبان فرهنگ و سنت‌های اجتماعی و فرهنگی ایران بودند [محمادی ملایری، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۵۹؛ اشپولر، ۱۳۷۹: ۲۱].

دهقانان و خراج

دهقانان در زمان ساسانیان نمایندگان دولت در خالصه‌های دولتی بودند. وظیفه آنان گرفتن مالیات بود. دولت ساسانی به یاری اطلاعات محلی دهقانان، از اوضاع اراضی مطلع می‌شدند و با استفاده از نفوذ ایشان در میان رعایا



موفق می‌شدند که با تحصیل عواید و مالیات سنگین، از رعایای اراضی، هزینه جنگ‌ها و مخارج گزاف دولتی را تأمین کنند [صفا، ۱۳۲۶: ۴۰]. دهقانان در این دوره به نسبت پایگاه اجتماعی و مراتبی که در آن قرار داشتند، وظایف مختلفی را عهده‌دار بودند؛ وظایفی هم‌چون اداره امور محلی، اعلام مالیات دریافت شده با صدای بلند نزد شاه و مهر کردن صورت مالیات‌ها، جمع‌آوری مالیات سرانه، و ریاست پیشه‌وران. گاهی نیز اداره شهرها به آنان واگذاری می‌شد [فاضلی‌پور، ۱۳۸۰: ۸۱]. اداره شبکه آبیاری

نیز از وظایف آنان محسوب می‌شد [ایوانف، ۱۳۵۹: ۱۶۱].

فتح ناحیه سواد و بین‌النهرین، دهقانان و مهاجمان عرب را در کنار یکدیگر قرار داد؛ به طوری که اعراب به دلیل عدم تجربه در اداره امور سرزمین‌های مفتوحه، نیاز به کسانی داشتند که مدت‌ها دستی توانا در اداره امور محلی، مخصوصاً گردآوری خراج داشته باشند. دهقانان با به دست گرفتن امور خراج و مالیات توانستند نقش مهمی در مصون ماندن خود و بسیاری از آداب و سنت‌های خود ایفا کنند.

براساس منابع اسلامی، چون عمر، خلیفه دوم، سواد را فتح کرد، مردمان سواد را بر سرزمین‌های خویش باقی گذاشت و بر هر شخص جزیه مقرر نمود و بر زمین نیز خراج نهاد و آن‌ها را تقسیم نکرد [بلاذری، ۱۳۴۶: ۷۱-۷۷]. این اقدام خلیفه دوم تأثیر بسزایی در روند تصرف سایر سرزمین‌ها برجای گذاشت. بعد از گشودن سواد مسلم شد که اگر کشاورزان جزیه بپردازند و در زمره اهل ذمه درآیند، می‌توانند زمین‌هایی را که مالک هستند کشت کنند. به این ترتیب، مناطقی که دهقانان یا مرزبانان آن با مسلمانان صلح می‌کردند، اجازه می‌یافتند که مالک اموال خود باشند و تنها جزیه و خراج بپردازند. در عین حال، مسئول جمع‌آوری خراج و اداره محل خود نیز باشند. بیشتر مورخان اسلامی از مساحت اراضی سواد، تعیین مقدار خراج و مشورت دهقانان با خلیفه عمر، عثمان، حضرت علی (ع) و معاویه یاد کرده‌اند [یعقوبی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۹، ۵۹ و ۱۱۷؛ دنت، ۱۳۵۸: ۶۴-۵۵] که از آن جمله می‌توان به مساحت اراضی سواد در زمان عمر توسط عثمان بن حنیف با کمک دهقانان اشاره کرد. بنابراین نخستین وظیفه دهقانان در حکومت اسلامی را می‌توان در تعیین مقدار خراج، نوع محصول مالیات و جمع‌آوری خراج دانست، آنان هم‌چنین مسئول نگاهداری راه‌ها، پل‌ها و کشت و زرع و راهنمایی اعراب در طول فتوحات بودند

هریک از بخش‌های کوچک که آن را

شهر، و کرسی آن را شهرستان می‌گفتند،

تحت حکومت یک نفر شهریگ بوده است

و این شهریگ را از میان دهقانان اختیار

می‌کردند

وقتی در زمان حضرت علی (ع) دهقانان

هدیه نوروز را به وی تقدیم کردند، دستور

داد تا آن را بابت مالیات ایشان محسوب

کنند



و غنی سبک ساسانیان را حفظ می‌کردند. حفظ هویت ملی و فرهنگ ایرانی به واسطهٔ محافلی بود که دهقانان در فارس، خراسان، طبرستان و به طور کلی در شرق ایران تشکیل می‌دادند. در کنار دهقانان، مرزبانان و دبیران نیز با مقام‌هایی که به‌دست آورده بودند، در این امر شریک بودند [اشپولر، ۱۳۷۲، ج ۲: ۶-۲۷۵].

در بسیاری از کتاب‌های تاریخی، به‌ویژه در کتاب «فتوح البلدان»، از فرماندهان ایران نام برده می‌شود که به سپاه مسلمین پیوستند و از این راه سعی در حفظ آداب و سنن خود داشتند. برای مثال، از فرمانده طایفه‌داران سپاه یزدگرد نام برده می‌شود که با موافقت خلیفهٔ دوم عمر، به سپاهیان ابوموسی اشعری پیوست و به همراه سواران خود در محاصرهٔ «تستر» (شوشتر) شرکت کرد [بلاذری، ۱۳۴۶: ۳۶۸]. این سپاهیان با قبایل «بنوتمیم» هم‌پیمان شدند و همراه آنان به جنگ مشرکان رفتند [پیشین] و نیز در «تاریخ طبری» آمده است که عمر، خلیفهٔ دوم، به عاملان مرزها نوشت که از چابک‌سواران فارسی که به کارشان نیاز هست، کمک گیرند و جزیه از آنان بردارند. عاملان نیز چنان کردند که عمر گفته بود. هم‌چنین گفته شده است، عده‌ای از روستاییان و سپاهیان باقی‌مانده تجهیز می‌شدند و در نبرد علیه کفار در داخل و خارج شرکت می‌جستند [قرشی، ۱۳۸۰: ۳۲۷].

می‌کرد. مثلاً در این دو بیت از فردوسی، کلمهٔ دهقان درست به معنی ایرانی در برابر ترک و تازی استعمال شده است [حاکمی، ۱۳۵: ۳۷-۲۱؛ کلیسا، ۱۳۵۹: ۹۰-۸۹؛ صفا، ۱۳۵۲: ۶۳-۶۲].

از ایران و از ترک و از تازیان
نژادی پدید آمد اندر میان
نه دهقان نه ترک و نه تازی بود
سخن‌ها به کردار بازی بود

(فردوسی)
فردوسی غالباً از دهقانان به عنوان منبع و ظاهراً منبع شفاهی خود یاد می‌کند [نولدکه، ۱۳۷۸: ۴۶۸]. شاعران دیگری نیز به روایت‌هایی از دهقانان اشاره کرده‌اند؛ مانند طوسی [۱۳۱۷، ص ۲۱، بیت ۱]، ایرانشاه [۱۳۷۰، ص ۱۷] و نظامی [۱۳۱۶، ص ۵۰۸-۳۶۶]. از این‌روست که یکی از معانی دهقان در فرهنگ فارسی «تاریخ‌دان» (مورخ) است [صفا، ۱۳۲۶: ۴۲؛ صفا، ۱۳۵۲: ۱۷۰]. در واقع این مفاهیم بازگوکنندهٔ علاقهٔ دهقانان به فرهنگ و تمدن ایرانی و ایران‌دوستی آنان و حفظ میراث فرهنگی و تمدنی است.

در دورهٔ اسلامی، دهقانان نقش بسیار خطیر و مهمی در ارتباط با حفظ مآثر فرهنگی خود به‌عمل آوردند. وجود سازمان طبقات اجتماعی در ایران مانع از به فراموشی رفتن مفاخر فرهنگی و تمدنی ایران می‌شد. بدیهی است که دهقانان و دوایر وابسته به آنان، حفظ مقام اجتماعی خود را مدیون رها کردن دین زرتشت بودند. ایرانیان بسیار خردمندتر و فرهنگ باستانی آنان بسیار قدیمی‌تر از آن بود که بتوانند برای همیشه به مقام درجهٔ دوم و دون‌پایگی راضی باشند. خاندان‌های ایرانی و نسبتاً ایرانی شده را باید حافظ سنت‌های کهن دانست. ایرانیان ساکن در فارس و مخصوصاً خراسان و ماوراءالنهر که از مرکز دولت عربی دور بودند [اینواستراتسفس، ۱۳۵۱: ۱۵-۱۴؛ هوانسیان، ۱۳۸۱: ۹۹-۹۸]، حتی اگر مسلمان شده بودند، هنوز از آیین زرتشتی حمایت و سنن ملی و داستان‌های قهرمانان و هنر پربار

[طبری، ۱۳۶۲، ج ۵: ۱۸۳۶]. دهقانان نه تنها در امر جمع‌آوری عواید، بلکه در تنظیم مخارج و برقراری مواجب جنگجویان نقش مهمی را برعهده داشتند [دنت، ۱۳۵۸: ۴۵].

دهقانان و نقش آنان در حفظ مآثر فرهنگی و تمدنی ایران

دهقانان در سده‌های نخستین اسلامی در حفظ مآثر فرهنگی ایران‌زمین نقش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داشتند. فداکاری‌ها و ازخودگذشتگی‌های آنان از سوی سویی و تدابیر خردمندانه آنان از سوی دیگر، موجب جلوگیری از خونریزی‌ها و تخریب‌های تازیان در بسیاری از نقاط ایران شد. وطن‌دوستی و علاقه‌مندی آنان به آداب و سنن و زبان ایران باعث شد که فرهنگ و تمدن این سرزمین پایدار و مستقل بماند و زبان فارسی جای خود را به زبان عربی نسیپرد. تعهد آنان به حفظ روایات کتبی و شفاهی ایران باستان بود که ضامن دوام و بقای داستان‌های حماسی، تاریخی و عشقی شد [تفضلی، ۱۳۶۷: ۵۷۹].

با هجوم اعراب مسلمان به ایران و فروپاشی سلسلهٔ ساسانیان، تنها طبقه‌ای از اشراف که توانست ادامهٔ حیات دهد، دهقانان بودند، زیرا به سبب نیاز حکومت خلفای عرب به مالیات ارضی، این طبقه باقی ماندند تا برای زمین‌های خود باج و برای گردن‌هایشان خراج بدهند. با از میان رفتن اشراف شهرنشین و کاسته شدن روزافزون تعداد هیربدان و موبدان، بار فرهنگ و تمدن ایران باستان بر دوش دهقانان افتاد. اینان به مدت ۴۰۰ سال نگاه‌دارندهٔ ارزش‌هایی بودند که دیگر جایی در نظام جدید نداشت [پارسا، ۱۳۸۰: ۶۶]. دهقانان اسلام را پذیرفتند، ولی در تمام مدتی که در صحنهٔ اجتماعی ایران حضور داشتند، نگاه‌دارندهٔ اصلی سنن، آداب و داستان‌های کهن ایرانی باقی ماندند. این ویژگی چنان آشکار بود که واژهٔ دهقان به غیر از مفهوم طبقاتی خود، معنای ایرانی اصیل و نژاده را در شنونده القا

دهقانان نقش بسزایی در ماندگاری جشن‌ها و آیین‌های باستانی داشتند. آنان بنا بر رسوم باستانی، در عید نوروز برحسب توان خود به پادشاهان هدیه‌ای تقدیم می‌کردند. این روند در دوره اسلامی نیز ادامه پیدا کرد؛ به گونه‌ای که دهقانان به‌عادت دیرین خود، هم‌چنان هدیه نوروز را به خلفا می‌دادند [ابن‌زبیر، ۱۹۵۹: ۳۸]. نقل شده است، اولین‌بار در زمان خلافت عثمان دهقانان ایرانی هم‌چون دوران ساسانی باب دادن هدیه به امرا و خلیفه را بازکردند. در دوران حضرت علی(ع) نیز تعدادی از دهقانان در روز مهرگان و نوروز هدایایی را برای ایشان آوردند [الجاحظ، ۱۹۹۶: ۳۱۹؛ شعبانی، ۱۳۷۹: ۱۵۵].

وقتی در زمان حضرت علی(ع) دهقانان هدیه نوروز را به وی تقدیم کردند، دستور داد تا آن را بابت مالیات ایشان محسوب کنند [اشپولر، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۸۲؛ هوانسیان و صباغ، ۱۳۸۱، ۱۲۱]. هم‌چنین، منابع تاریخی روایت‌های گوناگونی را نقل کرده‌اند که در زمان بنی‌امیه، دهقانان ایرانی در خراسان به والیان بنی‌امیه در روز مهرگان و نوروز

هدایایی تقدیم کردند و با اهدای هدایا سعی کردند تا نوروز و مهرگان را به عنوان دو عید رسمی در دوران اسلامی حفظ کنند [طبری، ۱۴۲۴ هـ.ق، ج ۴: ۱۴۰۸؛ ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۴: ۴۳۴؛ محمدی ملایری، ۱۳۷۰: ۲۵۷]. شاید این نکته دور از حقیقت نباشد که اگر دهقانان سنت هدیه دادن در نوروز و مهرگان را باب نمی‌کردند، هرگز خلفای متعصب بنی‌امیه حاضر به اجازه برگزاری چنین مراسمی را در نوروز و مهرگان به دهقانان یا سایر ایرانیان نمی‌دادند و به عنوان یک سنت در زمان‌های بعدی، به‌خصوص زمان عباسیان باب نمی‌شد. این موضوع حاکی از نقش مؤثر دهقانان در حفظ میراث فرهنگی و تمدنی ایران است.

دهقانان به علت تعلق خاطری که به تاریخ ایران پیش از اسلام و انتساب به خاندان‌های بزرگ قدیم داشتند، در محافظت از آثار و روایات ملی و محلی می‌کوشیدند و در تدوین و نظم آن‌ها پیش‌قدم می‌شدند [پیشین]. این گروه در تهیه تواریخ بزرگ دوره اسلامی (درباره ایران قدیم) و روایات حماسی و ملی ایران دخیل بودند. به همان

طریق هم شاید به عهد ساسانیان در تألیف و تدوین روایات قدیم و استفاده از تواریخ و روزنامه‌های درباری برای تألیف «خدای‌نامه» رنج برده باشند و از این‌جاست که در مقدمه شاهنامه بایسنقری، تدوین تاریخی خدای‌نامه را به عهد یزگرد شهریار، از روی مجموع اخباری که در دوره انوشیروان گرد آمده بود، به مردمی موسوم به دانشور دهقان نسبت داده‌اند [صفا، ۱۳۵۲: ۷۰-۵۵].

وجود دو دهقان‌زاده بزرگ، یعنی ابومنصور محمدبن عبدالرزاق طوسی، بانی شاهنامه ابومنصوری و ابوالقاسم فردوسی ناظم این شاهنامه، کافی است که افتخار حفظ بسیاری از روایات ملی و آداب و رسوم و سنن ایرانی به طبقه دهقانان تعلق گیرد [صفا، ۱۳۲۶: ۷۲؛ فرای، ۱۳۴۸: ۱۳۷-۱۳۶]. همین نویسنده عقیده دارد که: «دهقانان نگهبان واقعی آداب و رسوم و روایات ملی ایران بودند و نقش مهمی در بازگشت استقلال سیاسی ایران و بیداری ایرانیان ایفا کردند و همواره برای احیای سنن ملی کوشیدند» [صفا، ۱۳۴۶: ۷۰].

و بالاخره این که تلاش و کوشش همین دهقانان بود که باعث شد آداب و سنن کهن ایرانی بماند و به نسل‌های بعد منتقل شود.

نتیجه‌گیری

دهقانان که یکی از سلسله مراتب اجتماعی در عصر ساسانیان بودند، با این‌که پایین‌تر از دیگر طبقات قرار داشتند، از نظر نفوذ اجتماعی و پذیرش بین مردم و نقشی که در عمران، آبادانی و حفظ میراث باستانی و انتقال آن به نسل‌های بعدی داشتند، اثری ژرف‌تر، عمیق و پایدارتر از طبقات دیگر در جامعه ایرانی و در تاریخ ایران از خود به‌یادگار گذاشتند. در دوره اسلامی نیز با این‌که دیگر طبقات عصر ساسانی از بین رفتند، اینان باقی ماندند و در دوران اسلامی نیز جامعه اسلامی را از دانش تجربه خود بهره‌ها رساندند. دهقانان در دوره اسلامی بر اثر تعلق خاطری که به ایران پیش از اسلام





و به خاندان‌های اشرافی و سلطنتی قدیم داشتند، به حفظ روایات ملی و محلی، آداب و رسوم، و سنن و مآثر فرهنگی ایران همت گماشتند و باعث شدند که در قرون نخستین اسلامی، بسیاری از مآثر فرهنگی و تمدنی ایران از دستبرد حوادث زمانه و هرج و مرج و آشفتگی‌های آن دوران در امان بمانند. آنچه امروز از تاریخ و سنن این مرز و بوم در گذشته باقی مانده، حاصل تلاش همین دهقانان و نقشی است که آنان در حفظ و نگهداری آن میراث فرهنگی داشتند. چه بسا اگر آنان در حفظ این مآثر فرهنگی کشورمان نمی‌کوشیدند، بسیاری از میراث فرهنگی و تمدنی کشورمان در کوران حوادث روزگار از بین می‌رفت.

منابع

۱. آلهام، فرانتس و استیل، روت. تاریخ اقتصاد دولت ساسانی. ترجمه هوشنگ صادقی. علمی و فرهنگی. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۲.
۲. ابن‌خلف تبریزی، محمدحسین. برهان قاطع. به اهتمام محمد معین. امیرکبیر. تهران. ۱۳۷۶.
۳. ابن‌بلخی، فارسنامه. به سعی و اهتمام و تصحیح گای لسترینج و رینولد آلن نیکسون. دنیای کتاب. تهران. ۱۳۳۳.
۴. الجاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر. المحاسن والاضداد. مقدمه و شرح علی بوملجم. دارالمکتبه الهلال. بیروت. ۱۹۹۶.
۵. ابن‌اثیر، عزالدین. الکامل فی التاریخ (ج ۴). مصحح محمد یوسف الرقاعه. لبنان. بیروت. دارالمکتبه العلمیه.
۶. ————. الکامل فی التاریخ (ج ۱). ترجمه محمدحسین روحانی. اساطیر. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۴.
۷. اینوستراتسنف، کستانتین. تحقیقاتی درباره ساسانیان. ترجمه کاظم کاظم‌زاده. نشر و ترجمه کتاب. تهران. چاپ اول. ۱۳۵۱.
۸. اشپولر، برتولد. ایران در قرون نخستین اسلامی (ج ۱). ترجمه مریم میراحمدی. علمی و فرهنگی. تهران. چاپ چهارم. ۱۳۷۹.
۹. اجتهادی، ابوالقاسم. وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان. نشر سیروس. تهران. ۱۳۶۳.
۱۰. ایوانف، داندامایف و دیگران. تاریخ ایران. مترجمان سیروس ایزدی و حسین تحویلی. نشر دینا. تهران. ۱۳۵۹.
۱۱. ایران‌شاه. بهمن‌نامه. به کوشش رحیم عقیقی. تهران. ۱۳۷۰.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی. فتوح البلدان. ترجمه آذرنوش آذرتاش. انتشارات بنیاد و فرهنگ ایران. تهران. چاپ اول. ۱۳۴۶.
۱۳. بلعی، ابوعلی. تاریخ بلعی. به تصحیح محمدتقی

۳۱. فرای، ریچارد. میراث باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا. علمی و فرهنگی. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۰.
۳۲. قرشی، امان‌الله. ایران نامک. نشر هرمس. تهران. ۱۳۸۰.
۳۳. کریستین سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. دنیای کتاب. تهران. ۱۳۷۲.
۳۴. محمدی ملابری، محمد. تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به دوره اسلامی (ج ۳). توس. تهران. ۱۳۷۹.
۳۵. ————. فرهنگ ایرانی بیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی. توس. تهران. ۱۳۷۴.
۳۶. مسعودی، حسن بن علی. مروج الذهب و معادن الجواهر (ج ۱). ترجمه ابوالقاسم پاینده. علمی و فرهنگی. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۴.
۳۷. مقدسی، مطهرین طاهر. آفرینش و تاریخ. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. تهران. چاپ اول. ۱۳۴۹.
۳۸. ممتحن، حسینعلی. «نقش ایرانیان در تنظیم دیوان‌ها و سازمان‌های اسلامی». مجله بررسی‌های تاریخی. شماره ۲. سال سیزدهم.
۳۹. محمدی ملابری، محمد. «نوروز در پیچ و خم تاریخ». نشریه قافله سالار سخن. نشر البرز. تهران. ۱۳۷۰.
۴۰. نظامی، شرفنامه. به کوشش وحید دستگردی. تهران. ۱۳۱۶.
۴۱. نولدکه، تئودور. تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان. ترجمه عباس زریاب. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۸.
۴۲. هوار، کلمان. ایران و تمدن ایرانی. ترجمه حسن انوشه. امیرکبیر. تهران. چاپ سوم. ۱۳۷۹.
۴۳. هوانسیان، ریچارد و صباغ، جورج. حضور ایرانیان در جهان اسلام. ترجمه فریدون بدره‌ای. مرکز بازشناسی اسلام و ایران. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۱.
۴۴. ویسهوفر، یوزف. ایران باستان (از ۵۵۰ ق.م تا ۶۵۰ م). ترجمه مرتضی ثابت‌قدم. ققنوس. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۹.
۴۵. یعقوبی احمد بن ابی‌یعقوب. تاریخ یعقوبی (ج ۱). ترجمه محمد ابراهیم آیتی. علمی و فرهنگی. تهران. چاپ پنجم. ۱۳۶۶.
۴۶. یارشاطر، احسان. تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان (ج ۳). ترجمه حسن انوشه. امیرکبیر. تهران. چاپ سوم. ۱۳۸۰.

- بهار (ملک‌الشعراء) به کوشش محمد پروین گنابادی. زوار. تهران. ۱۳۵۳.
۱۴. بیرونی، ابوریحان. آثار الباقیه عن القرون الخالیه. ترجمه اکبر داناسرشت. ابن‌سینا. تهران. چاپ اول. ۱۳۵۲.
۱۵. بلعی. تاریخ طبری (منسوب به طبری - ج ۱). به تصحیح محمد روشن. زوار. تهران. چاپ اول. ۱۳۵۳.
۱۶. پارسا، بهمن. «دهقانان در ایران پس از اسلام». فصل‌نامه هستی. شماره ۱. ۱۳۸۰.
۱۷. تفضلی، احمد. جامعه ساسانی. ترجمه شیرین مختاریان و مهدی باقی. زوار. تهران. چاپ اول. ۱۳۵۳.
۱۸. ————. «نقش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دهقانان در سده‌های نخستین اسلامی». مجله ایران‌نامه. شماره ۴. سال پانزدهم. ۱۳۷۶.
۱۹. ————. «دهقانان». ترجمه ابوالفضل خطیبی. نامه فرهنگستان. سال سوم. شماره یک. مجله تحقیقات ایران‌شناسی. تهران. ۱۳۶۷.
۲۰. حاکمی، اسماعیل. «معانی دهقان در زبان و ادب پارسی». سخن. سال شماره ۱۲-۱۱. ۱۳۵۷.
۲۱. دنت، دانیل. مالیات سرانه و تأثیرات آن در گرایش به اسلام. ترجمه محمدعلی موحد. خوارزمی. تهران. چاپ سوم. ۱۳۵۸.
۲۲. زرین‌کوب، عبدالحسین و زرین‌کوب، روزبه. تاریخ ایران باستان. سمت. تهران. ۱۳۷۹.
۲۳. ژینیو، فیلیپ. ارداویراف‌نامه. ترجمه ژاله آموزگار. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۲.
۲۴. سیوری، راجر. ایران عصر صفوی. ترجمه کامییز عزیز. تهران. چاپ هشتم. ۱۳۷۹.
۲۵. شعبانی، رضا. آداب و رسوم نوروز. انتشارات بین‌المللی المهدی. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۹.
۲۶. صفا، ذبیح‌الله. «دهقانان». مجله آموزش و پرورش. تهران. سال ۲۲. شماره ۱. ۱۳۶۶.
۲۷. ————. حماسه‌سرایی در ایران. امیرکبیر. تهران. چاپ سوم. ۱۳۵۲.
۲۸. طوسی، اسدی. گرشاسب‌نامه. به کوشش حبیب یغمایی. تهران. ۱۳۱۷.
۲۹. طبری، محمد بن جریر. تاریخ طبری (ج ۱ و ۵). ترجمه ابوالقاسم پاینده. اساطیر. تهران. چاپ دوم. ۱۳۶۲.
۳۰. فاضلی‌پور، طوبی. تاریخ کشاورزی در دوران ساسانیان. نشر پژوهنده. تهران. ۱۳۸۰.